

# زمینه های پیدایش

## ترجمه آثار نمایشی غرب در ایران

قسمت دوم

شیرین یزگمهر  
عضو هیات علمی و استاد دانشکام هنر

آشنا کردن ایرانیان با ادبیات اروپایی تأثیر بسیاری داشته است. ... وی در مقابل کسانی که در آن ایام خود را عاشق بی قوار تجدد نشان می دادند و با آنکه دایم از کلاسیک و رومانیک و سایر چیزها دم می زدند چیزی از نغایس ادبیات غرب برای شرق به ارمغان نمی آوردند، کوشید با نشر ترجمه ها و نقل قطعاتی از نخبه آثار نویسندگان اروپایی، ایرانیان را با طرز نگارش اروپایی آشنا کند. شیوه نشر خود او که از بعضی نویسندگان عربی و عثمانی معاصر خود متأثر بود، سادگی و لطافت را با ایجاز و اجمال جنج داشت و در انشاء نویسندگان بعد تأثیر کرد.<sup>۱</sup>

اثر مشترک «الکساندر دوما» و «فردریک گیلارد»، به نام برج نسل را عبدالحسین میرزا مؤیدالدوله (پسر طهماسب میرزا ابن دولتشاه محمد علی میرزا) در سال ۱۳۲۲ هـ. ق با عنوان تمثیل تیاتر از زبان عربی به فارسی ترجمه و یک سال بعد در مطبعه خورشید به صورت چاپ سنگی منتشر کرد.

شاهزاده حشمت السلطان، در سال ۱۳۹۲ هـ. ش نمایشنامه ناپلئون بناپارت و سی سال تاریخ فرانسه اثر الکساندر دوما را با عنوان تاج گذاری و مرگ ناپلئون بناپارت، به فارسی برگرداند. مترجم در مقدمه می نویسد: «چون در این ایام که کوکب علم و دانش در افق تاریخ مملکت ستم کشیده ما طالع گردیده، خاطر هموطنان خود را مایل به مطالعه احوال ملل مختلفه عالم و مردمان بزرگ تاریخی دنیا که سرآمد عصر خود بوده اند، دیدم و نیز چون محقق است که اکثر مردم به خواندن تاریخ ساده چندان میلی ندارند، به این لحاظ تئاتر ناپلئون را که از شاهکارهای عالیه مورخ معروف و سخن سرای مشهور الکساندر دوما بزرگ است که تاریخ فتوحات این شخص خارق العاده و این سلطان بزرگ را در ضمن اسلوبی پس شیرین و ساده درکمال صحت و درستی به جلوه در آورده است، از لغت فرانسه به زبان فارسی بسیار ساده ترجمه نمودم که عموم هموطنان از نکات تاریخی و مطلب عالیه آن بهره مند گردند...»<sup>۲</sup>

سایر ترجمه های نمایشی

«فردریک شیلر»، یا نمایشنامه «خدعه عشق» که «میرزا یوسف خان اعتصام الملک» در سال ۱۳۸۶ هـ. ش ترجمه کرد، به ایرانیان شناسانده شد. اعتصاب الملک در مقدمه ای بر این اثر می نویسد: «شیلر در این تئاتر خواننده را به مکارم اخلاقی ترغیب می نماید، عفت و عصمت و پاکدامنی نسوان را تمجید و نادانی آن ها را تقبیح می کند. شتاعت عادات ذمبچه حسد و نفاق و تزویر را به نیکوترین وجهی نشان می دهد و با بیانی شیرین و تقریری دلپذیر معنی عشق و رموز مهر و محبت را می فهماند و می گوید مرد آن است که از آرایش خواهمشهای نفسانی پاک و منزه باشد و در حفظ ناموس و شرف خویش بکوشد و از مجازات خیانت و کینر کردار پدبترسد. این اثر در همان سال و در مطبعه فاروس تهران چاپ شد.

ترجمه آثار نمایشی غربی توسط گروههای نمایشی در دوران مشروطیت با تحولاتی که دوران مشروطیت در تمامی موازین

ترجمه این نمایشنامه می نویسد: «... عماد السلطنه بر ادبیات فارسی و عرب و فرانسه، هیأت، نجوم، ریاضی، تاریخ و جغرافیا تسلط داشت و در هر یک از این زمینه ها به نگارش و ترجمه آثار دست زد... از خدمات پر ارزش وی ترجمه شاهکارهای ادبیات اروپایی به زبان فارسی است... (و) در این زمینه آثاری از مولیر، شکسپیر، الکساندر دوما، اشیل و سوفکل ترجمه کرده است... همچنین در این مقدمه ترجمه «خاطرات یک خر» نوشته «کنتس دوسگور» به عماد السلطنه نسبت داده می شود، اما جمشید ملک پور در ادبیات نمایشی در ایران (جلد اول ص ۲۰۷) ترجمه این اثر را کار «میرزا علی خان امین الدوله» و با عنوان «حماریه» می داند که از عربی به فارسی برگردانده شده و در سال ۱۳۰۰ به چاپ رسیده است. همچنین در مقدمه یاد شده ترجمه «عروسی مجبوری» اثر مولیر، به عماد السلطنه نیز نسبت داده و گفته شده است این ترجمه در سال ۱۳۳۱ هـ. ق در مطبعه تمدن به چاپ رسیده است. در صفحه آخر کتاب آکهی چالیسی از قول عماد السلطنه نقل شده است: «چند مجلس از تئاترهای مولیر، شکسپیر و اشیل با بعضی رمان و تاریخ سابقاً ترجمه کرده ام، اگر کسی میل طبع کردن آن ها را داشته باشد، با شرایط آسان نسخه خطی آنرا می دم، عماد السلطنه قاجار» ترجمه نمایشنامه «شرافت شیطان» یا «دختر رزان» کمدی پنج پرده ای از الکساندر دوما (۱۳۶۳ انتشارات جام) به عماد السلطنه منتسب است و «الکتراه» اثر سوفکل که به صورت خطی در کتابخانه ملی محفوظ مانده است، از ترجمه های عماد السلطنه به شمار می آید.

آثار ترجمه شده الکساندر دوما

میرزا یوسف خان اعتصام الملک، ۱۳۹۱ هـ. ق، پدر پروین اعتصامی که مجموعه ادبی بهار در سال ۱۳۲۸ هـ. ق را منتشر می ساخت و در آن قطعات ادبی، شعر، شرح حال شخصیت ها و ترجمه آثار نویسندگان برجسته جهان را به چاپ می رساند و بیشتر ترجمه ها کار خود او بود، نمایشنامه «یک وکیل خائن» یا «ریشارد دالتون» (عنوان اصلی ریشارد دارلینگتون) اثر الکساندر دوما و «پروسپر کوربر» را ترجمه کرد و در این نشریه به چاپ رساند.

عبدالحسین زرین کوب معتقد است: «او در

نخستین اثری که از شکسپیر در ایران ترجمه شد، اتللو یا داستان غم انگیز اتلوی مغربی در وندیک بود که ابوالقاسم خان قره گزلی همدانی، ملقب به ناصرالملک (۱۳۲۶-۱۳۸۲ هـ. ق) از رجال مشهور دوره قاجار و از نخستین تحصیل کرده های ایرانی دانشکاه آکسفورد، به فارسی ترجمه کرد. او در سال ۱۳۲۵ هـ. ق از طرف محمد علیشاه مأمور تشکیل دولت شد که پیش از دو ماه دوام نیاورد. در سال ۱۳۲۸ هـ. ق نایب السلطنه احمد شاه بود اما پس از تاجگذاری او، ایران را ترک کرد و به اروپا رفت و تا سال ۱۳۳۵ هـ. ق در آنجا ماند. او با ترجمه نمایشنامه اتللو، ویلیام شکسپیر را برای نخستین بار به خوانندگان و علاقمندان ایرانی معرفی کرد. در مقدمه کتاب، حسینعلی قره گزلی پسر ناصرالملک، آشنایی پدرش با شکسپیر و انگیزه اش برای ترجمه آثار او را توضیح می دهد که پس از آخرین عزمش به اروپا، در محفلی می شنود که برگردان آثار شکسپیر به فارسی امکان پذیر نیست. ناصرالملک از سر طبع آزمایی بر آن می شود که چند سطر یکی از آثار او را ترجمه کند. تصادفاً اتللو را برمیگزیند و پس از ترجمه چند جمله، بر آن می شود تا تمام داستان را به فارسی برگرداند و چند سال بعد... بر اثر اصرار دوستان به ترجمه بازرگان و وندیک (تاجر ونیزی) ... پرداخت. حسینعلی قره گزلی می نویسد: «... مترجم معظم خود را مقید نداشته است قسمت هایی را که توضیح یا دستور نمایشنامه می توان نامید، به طور دقیق ترجمه کند و هم در اتللو هم در بازرگان و وندیک، برخی از این دستورات یا توضیحات را که واجب ندانسته در ترجمه وارد نکرده است...»

ناصرالملک، با تسلط به دو زبان فارسی و انگلیسی و استفاده به جا و مناسب از واژگان، پانثری شیوا، روشن و روان ترجمه ای به دست داده است که هیچ یک از ترجمه های پسین این اثر برای برابری با آن را نداشته است. تا زمان حیات وی، ترجمه هایش به چاپ نرسیده و نخستین بار این ترجمه در سال ۱۳۲۰ در پاریس چاپ شد.

حسینعلی میرزا ملقب به عماد السلطنه (۱۳۱۱-۱۳۴۷) نوه محمد شاه قاجار، نمایشنامه «به تربیت در آوردن دختر تند خوی (رام کردن زن سرکش) اثر شکسپیر را به فارسی برگرداند. عباس سالور در مقدمه

فرهنگی و اجتماعی ایران پدید آورد، زمینه تشکیل احزاب و انجمن های گوناگون را فراهم آورد که هر یک فراخور دیدگاه سیاسی اشان به فعالیت های فرهنگی، نظیر ایجاد گروه های نمایشی، تشکیل جلسه های سخنرانی و انتشار مجله و روزنامه همت گماشتند.

گروه هایی که در این دوران تشکیل شدند به دلیل داشتن خصیصه های سیاسی بیشتر به آثاری روی می آوردند که به مسایل و مشکلات ملموس جامعه اشاره داشته باشند و براین مبنا آثار ایرانی با چنین گرایش هایی را به صحنه می بردند. اما در این بین ترجمه، اقتباس و اجرای آثار نمایشنامه نویسان غربی چون گوگول، مولیر، لاپیش، ویکتور هوگو، کرنی و شکسپیر رواج داشت زیرا مضامین اجتماعی و اخلاقی آن ها مناسب ارتقاء فرهنگ عمومی بود.

شرکت علمیه فرهنگ که توسط کسانی چون محمد علی فروغی، عبدالله مستوفی، علی اکبردار، سیدعلی

نصر و خلیل فهیمی (فهمیم الملک) تشکیل شده بود، نخستین گروهی بود که به ترجمه آثار نمایشی دست یازید. عبدالله مستوفی در بخشی از تاریخ اجتماعی و ادبی دوره قاجاریه (شرح زندگی من) - که در جلد دوم ادبیات نمایشی ایران (صفحات ۲۸ و ۲۹) نقل شده - در باره فعالیت های این شرکت می نویسد: «صبح های جمعه در یکی از اتاق های مدرسه نظام جنب دارالفنون جلسه عمومی و بعضی شب های هفته در منزل اعضای هیأت رئیسه جلسات، هیأت مدیره تشکیل می شد. نمایشنامه هایی ترجمه می کردیم و به نمایش می گذاشتیم. این کار هم ذوق ادبی نمایش در مردم ایجاد می کرد و هم عایدی برای

عملیات و نشریات علمی شرکت تدارک می دید... خلاصه اینکه هر کس قریحه ای داشت بی ریا هنر خود را می نمود. فروغی هم چندین نمایشنامه ترجمه کرده پزود. جناب آقای فهیمی هم در ترجمه نمایش کمک می کرد.»

گروه تئاتر ملی که در ۱۲۹۲ هـ. ش توسط سید عبدالکریم محقق الدوله و با همکاری گروهی از رجال و معارف ایران<sup>۳</sup>، که مشاغل دولتی به ویژه در وزارت امور خارجه داشتند و چندتن از تجار بازار تشکیل شده بود، دومین گروهی بود که در این دوران به ترجمه و اقتباس نمایشنامه های غربی همت گماشت. اولین پیسی که تئاتر ملی ایران به نمایش آن پرداخت کمدی مشهور گوگول به نام بازرس بود که آن را نادر میرزا (نادر آراسته) عضو جوان وزارت امور خارجه به

## علاوه بر تهران، شهر رشت به

### سبب داشتن بیشترین

### نمونه های ترجمه شده آثار

### نمایشی غربی در دوران

### مشروطیت، از اهمیت بیشتری

### نسبت به جاهای دیگر

### برخوردار است

فارسی ترجمه کرد. محقق الدوله که فارغ التحصیل مدرسه سیاسی، عضو خزانه داری و رئیس دارالترجمه

خیالی، داماد پشیمان (ژورنالیست)، احمق ریاست طلب، (بودواواتیوم)، «زنان دانشمند» (ژنان فضل فروش) که همه از آثار مولیر بودند و همچنین «آشپز باغ عشرت»، «یک پوسه»، «دو محبوب» هر سه از آثار «لاپیش» تماماً توسط میرزا حسن خان ناصر، به فارسی برگردانده شد. میرزا حسن خان ناصر از فعالیت یا به روایتی مؤسس «گروه آکتورال امید ترقی» شهر رشت بوده است. این آثار به شکل اقتباسی از اصل در آمده بود که علاوه بر عنوان ها، شخصیت ها و گفتگو ها نیز ایرانی شده بودند.

نمایشنامه های «هوراس» و «سنیاء»، اثر «پیرکنی»، توسط کریم کشاورز ترجمه شده و گفته می شود ترجمه دو نمایشنامه «ارنانی»، «ژی بلاس» هر دو از آثار «ویکتور هوگو» نیز توسط او ترجمه شده است. کریم کشاورز عضو جمعیت ادبی فرهنگ رشت بود که در سال ۱۲۲۶ هـ. ق بسته نمایشی تشکیل داد که مسئول اداره آن فردی

به نام «دایی نمایشی» یا «دایی تبریزی از مجاهدان انقلاب مشروطه بود. کشاورز علاوه بر ترجمه به کار بازیگری نیز می پرداخت. در اصفهان از آنجا که دو نمایشنامه طیبی اجباری و «فریب خورده در برابر فریب می خورده» که به نام چوپان و وکیل یا همان «پیرپاتلن وکیل» مشهور شد، در مدرسه «آلیانس» بنی اسرائیل اجرا شده است، نشان می دهد که در آن جا کار ترجمه انجام می گرفته است. گرچه از برگردان فارسی چاپی این ترجمه ها اثری نیست و احتمالاً فقط برای اجرا ترجمه شده بودند.

در مشهد، «رضا

آذرخشی» کارمند نظمیه، با احداث سالن اعتبار السلطنه، نمایش هایی را ترجمه می کرد و شخصاً به روی صحنه می برد. نمایش های «مباهوی بسیار برای هیچ» و «تاجر ونیزی از شکسپیر از این جمله اند.

آثار ترجمه شده نمایشنامه نویسان ترک

در دوران مشروطیت علاوه بر آثار شماری از نمایشنامه نویسان غربی، آثار نمایشنامه نویسان ترکی که به شیوه غربی نمایشنامه می نوشتند نیز به فارسی برگردانده شده است.

تئاتر ضحاک، نمایشنامه ای نوشته سامی بیک عثمانی... بود که در سال ۱۲۲۲ هـ. ق، توسط میرزا ابراهیم خان پسر میرزا علی اکبرخان آجودانباشی، ملقب به امیر تومان به فارسی برگردانده شد و در مطبوعه خورشید به چاپ رسید.



فردریک شیلر.

کمرک بود. دو نمایشنامه «اریاب آعیان» و «طیب عشق» اثر مولیر را خود به فارسی برگرداند و نمایشنامه های «مزاحم یا سرخر» (که عنوان اصلی آن ترشوها بود) «گیج» و «ناخوشی خیالی» (مریض خیالی)، «بزالهوسی امیرمکرره» (دون ژوان) از مولیر و «دلاک ماژندرانسی» (ارایشگر سوپیل) و «عروسی وکیل باشی» (عروسی فیکارو) اثر بومارشه را که «میرزا علی خان»، و همچنین «هم بیسترمفعل» را که «احمد علی خان»، ترجمه کرده بودند، تحریر کرد.

علاوه بر تهران، شهر رشت به سبب داشتن بیشترین نمونه های ترجمه شده آثار نمایشی غربی در دوران مشروطیت، از اهمیت بیشتری نسبت به جاهای دیگر برخوردار است. نمایشنامه های «طیبی اجباری»، «عاشق دنیک»، «گیج»، «سالوس (تاراتوف)»، «مریض

«وطن» یا «سیلستریا»، اثر «شامق کمال»، نمایشنامه دیگری است که توسط وح. ملکزاده تیریزی، به فارسی برگردانده شد و در سال ۱۳۲۸ هـ. ق توسط گروهی ترک به سرپرستی عثمان بکتاش زاده در سالن تئاتر ملی (طبقه فوقانی مطبوعه فاروس در لاله زار) اجرا شد. اعضای این گروه که «هیئت خیریه وطنیه» نامیده می شد، از ترکان عثمانی بودند که به علت زندگی در ایران، فارسی را به خوبی می دانستند.

بررسی آثار نمایشی ترجمه شده به فارسی در عهد ناصری و انقلاب مشروطیت، نشان می دهد که مفاهیم و مضامینی مثل ظلم و ستم فردی و اجتماعی، فئودالیسم، جهل، پیسوادی و خرافه پرستی ناشی از آن، خواسته های نفسانی، ناموس و شرف، حسد، نفاق، تزویر، ریاکاری، مال اندوزی، عرق ملی، عفت و عصمت و پاکدامنی و وضعیت زن و حقوق اجتماعی او مورد توجه بوده و در قالب کمدی، فارسی و تراژدی شکل گرفته و عرضه شده اند. نمایشنامه های همان دوره که به زبان فارسی نوشته شده اند بر همین مفاهیم استوارند. بی شک آن دسته از کسانی که با آثار ترجمه شده نمایشی غربی (و شیوه غربی) آشنا بوده و بر آن مبنا نمایشنامه هایی به فارسی نوشته اند از این امر آگاه بوده اند که وجود تئاتر نه فقط برای سرگرمی بلکه برای آموزش و پرورش ضروری بوده و مضامین مورد نظر نمایشنامه نویسان کلاسیک غرب تا چه حد جهانشمول است و می تواند با اندک تغییراتی در جامعه ما نیز به کار گرفته شود. در بررسی آثار ترجمه شده این زمان به ویژگی هایی برمی خوریم، از جمله:

۱- در دوران ناصری تئاتر عمدتاً جنبه تفریح و سرگرمی داشته و خاص درباریان (نه مردم) بوده است. اندیشه هایی که مولیر در آثارش مطرح کرده و مواردی را که به شیوه خود بر آن انگشت اتهام گذاشته، منطبق با ویژگی های دربار ایران نیز بوده است. به هر شکل می توان گفت که وجه غالب انگیزه

## ● نمایشنامه های شیلر،

### شکسپیر و کرنی بر نمایش های

دوره مشروطیت مؤثر بوده اند.

### ● در دوران مشروطیت انگیزه ها

متحول می شود و مترجمی به

یک حرفه بدل می شود

### ● در دوران ناصری تئاتر عمدتاً

جنبه تفریح و سرگرمی داشته

و خاص درباریان (نه مردم)

بوده است.

ترجمه در این دوران طبع آزمایی و یا تفاخر بوده است. ۲- در دوران مشروطیت انگیزه ها متحول می شود و مترجمی به یک حرفه بدل می شود. در مواردی انگیزه انتخاب اثر، قابلیت آن برای اجرا بوده اما در مواردی بسیاری این قابلیت اجرا از حد کاربردی فراتر رفته، درون مایه آن و تطبیقش با نیازهای جامعه مورد نظر مترجمان بوده زیرا تئاتر را وسیله ای برای تنویر افکار برمی شمردند.

۳- آثار «مولیر»، «آخوندزاده»، «کوکورل» و «لاپیش» بیشترین تأثیر را بر آثار نمایشی دوره ناصری داشته اند. گفتنی است که آثار نمایشی مولیر و آخوندزاده از زبان های عربی و ترکی به فارسی برگردانده شده اند.

۴- نمایشنامه های شیلر، شکسپیر و کرنی بر نمایش های دوره مشروطیت مؤثر بوده اند. آثار نمایشی این بزرگان از زبان های اصلی به فارسی برگردانده شده اند.

ش آثار مولیر در دوران ناصری عمدتاً برای اجرا ترجمه شده است.

در دوره مشروطیت نمایشنامه ها کمتر به صرف اجرا ترجمه می شده بلکه ماندگاری آن به شکل ادبیات مکتوب نیز مد نظر بوده است.

۷- مترجمان در هر دوره بیشتر از اشراف و درباریان بودند، اغلب آن ها از مدرسه دارالفنون فارغ التحصیل شده بودند و متصدی مشاغل دولتی، فرهنگی را برعهده داشتند. نخستین فردی که لقب «مترجم» گرفت، نمایشنامه ترجمه می کرد «دایی مترجم» یا «مترجم همایون» نامیده می شده. با تمام این احوال، خان ملکساسانی یکی از منتقدان آن دوره تئاتر بر این باور است که پیس هایی را که مترجمین این گروه از ادبیات اروپای، مثلاً از پیس مولیر ترجمه یا اقتباس کرده اند، به نگهداری و پرجسته کردن اصالت پیس اعتنایی نداشتند. این نوع ترجمه یا اقتباس از ادبیات اروپایی، که در آن نام پرسوناژها، محل و زمان واقعه، بخصوص معنای فلسفی، پسیکولوژیک و اخلاقی پیس به کلی دگرگون می شد، در دست آکتورها فقط به منزله زمینه ای بود و دروس این زمینه هر یک از آکتورها که در بداهه سازی ماهرتر بود، هر چه می خواست در روی سن از خود می گفت و هر آکتور که بهتر و بیشتر می توانست تماشاگران را بخنداند بیشتر مورد توجه قرار می گرفت و پیس مولیر از صورت یک کمدی اصیل و دارای موضوع بسیار پرمعنا و عمیق به صورت یک فارس یا بوفونادر، می آمد.

آنچه از محتوای کلام این منتقد برمی آید این است که او اعتقاد دارد خشت اول تئاتر در ایران کج نهاده شده؛ این نگاه چه پذیرفته باشد یا یکسو نگرانه تلقی شود، باز این سؤال باقی می ماند که از چه طریق دیگر می شد مردمی که به لحاظ فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی عقب نگهداشته شده بودند را باهنری آشنا کرد که بالقوه و بالفعل نبض زمانه و وجدان بیدار آن بود و آیینی ای تمام نما در برابر زندگی و حیات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آن ها قرار می داد؟

#### نوشت:

- ۱- به تربیت دوازدهم دختر تندخوی - ترجمه: حسینقلی سالور (عماد السلطنه) - به کوشش محمد علی موتی - نشر نقره - ۱۳۶۲.
- ۲- عبدالحمید زرین کوب - نقد ادبی - جلد دوم - امیرکبیر - ۱۳۵۳ - ص ۶۲۵.
- ۳- ناهلون بناهات (ناچکناری و مرگ) - ترجمه حشمت السلطان - کنگر دانش - تهران - ۱۳۹۲.
- ۴- اساس در پانویس - از صیبا تا نیما - ج ۲ - ص ۲۹۲ ذکر شده است.
- ۵- مصطفی اسکویی - پژوهشی در تاریخ تئاتر ایران - ص ۲۰۵.



## زده و عشق

تاری است مشتمل بر پنج فصل و نه برده

تألیف شیلر آلمانی  
از آلمانی به فرانسه ترجمه (آکسندر دما)  
از فرانسه به فارسی ترجمه

میرزا یوسف خان  
اختصاص الملك

اعاده طبع موقوف با اجازه مترجم است